

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۰۹ اپریل ۲۰۱۳

لگدمالی قاره سیاه با چکمه های خونین امپریالیست ها

بخش اول

قاره افریقا با ذخایر فراوان طبیعی، نیروی ارزان کار و موقعیت جیوپولیتیک، همیشه در محراق غارت و چپاول استیلاءگران و استعمارگران قرار داشته است. این قاره که زمانی زیر پای استعمارگران فرانسوی، بلژیکی، پرتگالی، بریتانیوی، آلمانی، هالندی، امریکائی، ایتالیائی و... تکه و پاره می شد، اینک به خاطر حرص و آز سرمایه به «بشکه باروت» تبدیل شده و هر از گاهی انفجاری در آن، خلق تهیدست این قاره را نیست و نابود می کند. خون، آتش و انفجار در این قاره سببیت امپریالیست ها و عمال مرتجع داخلی آنها را به خوبی نشان می دهد و بیجا نیست که نام افریقا با فقر و تنگدستی، استعمار و استثمار، و استقلال و آزادی پیوند خورده است.

امپریالیست ها برای استیلاء و سودجویی، به تصرف سرزمین های دست نخورده و دارای منابع طبیعی با موقعیت ممتاز جیوپولیتیک نیاز دارند. مع ذلک جنگ در راه توازن از دست رفته و تصرف مناطق جدید و تصاحب مناطق توسط قدرت هائی در حال عروج، از ناگزیری غارت امپریالیستی است. «در رژیم سرمایه داری برای این که توازن از دست رفته گاه به گاه مجدداً برقرار شود، وسیله دیگری جز بحران در صنعت و جنگ در سیاست وجود ندارد.» (در باره شعار کشورهای متحد اروپا، لنین)

در حال حاضر که اقتصاد سرمایه داری در بحران قرار دارد و در درون کشورهای سرمایه داری، مبارزه طبقاتی به نحوی از انحاء شدت بیشتری کسب کرده است، امپریالیست ها ناگزیر هستند جنگها را شعله ور ساخته و برای نجات از بحران به غارت و چپاول ملل دیگر بپردازند. امپریالیزم شیره جان خلق های تهیدست ملل نادار را مکیده و دار و ندار آنان را می چابد تا بحران فلاکت بارش را لگام بزند.

آسیا، افریقا و شماری از کشورهای امریکای لاتین از مناطقی هستند که در محور جنگ برای «توازن از دست رفته» و برای «تصرف مناطق جدید»، در رأس ستراتیژی های غارتگرانه امپریالیست ها قرار دارند. کشورهای امپریالیستی برای انجام این مأموریت در دو قطب مخالف قرار گرفته اند: امریکا و کشورهای اروپائی - با تمام تضاد (که میان شان مطلق است) در حال حاضر در وحدت نسبی و امتیاز دادن به یک دیگر در مقابل چین و روسیه صف آرائی می کنند؛ قطب اول عمدتاً در بحران اقتصادی به سر می برد، در حالی که چین و روسیه رشد نسبتاً خوب اقتصادی را تجربه می کنند.

چین که زمانی بر اساس روحیه انترناسیونالیزم پرولتری در کنار خلق افریقا قرار داشت و خروشچف را برای حمایت از تجاوز آشکار امریکا زیر رداى سازمان ملل متحد بر کنگو، به تبنای و حمایت از امپریالیزم امریکا متهم می کرد، اکنون که به امپریالیزم تمام عیار استحاله نموده، «کاشف» معادن و ذخایر طبیعی افریقا شمرده می شود. چین در این قاره به دنبال سرمایه گذاری، غارت و چپاول معادن و ذخایر زیرزمینی سرگردن است و از هیچ نوع معامله ای در این قاره دریغ نمی کند، چنانچه به کشورهائی از این قاره تجهیزات نظامی فراهم می کند که در شعله و رشد جنگ های داخلی به کار می رود.

امپریالیست های غربی که سیاست تقسیم مجدد جهان را روی دست گرفته اند، «مبارزه علیه القاعده و تروریزم» را دستاویز اشغال، تجاوز و مداخله خود قرار داده، کشورها را یکی پس از دیگری زیر چکمه های خود خرد می کنند. افغانستان نیز که برای محاصره چین و روسیه و نفوذ در کشورهای آسیای میانه و اقیانوس آرام از اهمیت جیوپولتیک برخوردار است، زیر همین شعار کاذبانه بیش از یازده سال است که در اشغال امپریالیست های امریکائی و ناتوئی قرار دارد و خون خلق زحمتکش ما بی وقفه در اثر بمباردمان و جنایت این ددان بر زمین می ریزد.

در سیاست تقسیم مجدد جهان و چاپیدن مناطق مختلف، اینک نوبت به افریقا رسیده است، قاره ای با بیش از یک میلیارد مستهلک و ۴۰ درصد ذخایر طبیعی جهان. امپریالیست ها «جعبه پاندورا» (۱) را در این قاره گشوده اند تا با تمسک به آن، ثروت های غنی آن را بقایند، لذا به این قاره هجوم برده، کشورهائی را اشغال و در کشورهائی به مداخله غارتگرانه پرداخته، عمال و مزدوران خود را چه از طریق کودتاها و چه هم از طریق «انتخابات» به قدرت می رسانند. حمله بر لیبیا، شورش در مصر، پیاده کردن ارتش در مالی و... همه به منظور شکم انداختن بر ذخایر غنی این قاره صورت گرفته است.

سازمان انقلابی افغانستان در «به پیش» شماره چهارم (ارگان تیوریک - سیاسی)، در مورد ستراتیژی غارتگرانه امپریالیست ها در قبال قاره افریقا قسماً تماس گرفته است. با در نظر داشت تحولات اخیر در این قاره و اتحاد غارتگرانه امپریالیست ها (به خصوص امپریالیست های دخیل در اشغال کشور ما و همسانی شعار «جنگ علیه تروریزم») که بر مالی هجوم برده اند، تلاش می نمائیم تا در این نوشته به طور گذرا بر وضعیت افریقا روشنی بیندازیم تا بیش از پیش به اهمیت این قاره در ستراتیژی های غارتگرانه امپریالیست ها پی برده شود.

افریقا، شکارگاه سیاهان

قبل از این که وارد بحث کنونی (منابع زیر زمینی، سرمایه گذاری های چین و امریکا، عطش دوباره فرانسه برای غارت مجدد، رقابت های امپریالیستی و جنگ کنونی مالی) شویم، برای درک بهتر از وضعیت این قاره، به تاریخ غارت و چپاول استعمارگران در این خشکه به طور گذرا اشاره می کنیم. البته ما در اینجا تاریخی را مورد مطالعه قرار می دهیم که به گفته پاتریس لومومبا تاریخی نیست که «در بروکسل، پاریس، واشنگتن و سازمان ملل درس می دهند» که در آن خلق این قاره انسان های غیر متمدن، جاهل، وحشی و بیکاره ای قلمداد می شوند که باید به وسیله امپریالیست ها متمدن شوند، اینجا تاریخ گذرائی را مورد بحث قرار می دهیم که نشاندهنده غارت و چپاول و جنایات و بربریت استعمارگران و استثمارگران در این قاره می باشد.

قوام نکرومه در کتاب خود «افریقا باید متحد شود» می نویسد: «تا زمانی که برده داری در دنیای جدید ریشه نندوده بود کسی افریقائیان را تحقیر نمی نمود. جهانگردانی که از این قاره دیدن نموده اند در خاطرات خود فقط با کنجکاو و دقتی که برای غریبه ها امری طبیعی است سکنة افریقا را توصیف نموده اند. طرز تفکر جدید در مورد افریقا تنها هنگامی به میان آمد که تجارت بردگان و برده داری به مقیاسی وسیع و سرسام آور افزایش یافت.»

افریقائی‌ها که قبلاً به حیث انسان‌های آرام و زحمتکش از طرف جهانگردان توصیف می‌شدند، یک باره از سوی استعمارگران غربی، البته به وسیله افریقا‌شناسان گمارده شده و خدمه قلمزن، انسان‌های غیر متمدن و نامتعارفی تبلیغ شدند که باید اصلاح شوند. این کارزار تبلیغاتی نیازی بود که سرمایه‌داری نو ظهور غرب به آن احتیاج داشت. تراکم سرمایه، نیروی ارزان کار و آن هم از نوع مطیع آن را ایجاد می‌کرد.

سرمایه‌داری با دو طبقه سرمایه‌دار و کارگر به حیث فرماسیون جدید اقتصادی - اجتماعی جانشین فیودالیزم می‌شود. سرمایه‌داری با تمرکز سرمایه در دست عده‌ای قلیل و با کار اکثریت جامعه تبلور می‌یابد. برای رشد سرمایه‌داری و بسط آن به تمام سکتورها، نیاز به سرمایه و نیروی کار است، نیروی کار ارزان و مطیع که جز فروش نیرو، وسیله و ابزاری برای امرار معیشت نداشته باشد. برای این که هم تراکم سرمایه صورت بگیرد و هم نیروی کار ارزان و مطیع به دست بیاید، سرمایه‌داری راهی ندارد جز مستعمره‌سازی کشورهای فقیر و نادار با نیروی ارزان کار و ذخایر غنی طبیعی.

با رشد سرمایه‌داری در غرب و نیاز به انباشت بیشتر سرمایه، قاره افریقا در تیررس غارتگران قرار گرفت. تجارت برده، تجارت پر سودی بود که اهداف سرمایه‌را بر آورده می‌توانست. تجارت برده، به سرمایه‌داران نوحاسته غربی فرصت داد تا از یک طرف چرخ سرمایه‌را با سرعت بیشتر به حرکت بیندازند و از طرف دیگر زمینه‌های غارت بیشتر قاره افریقا را تدارک ببینند.

کارل مارکس در کاپیتال می‌نویسد: «کشف طلا و نقره در امریکا، انهدام بردگی و دفن کردن اهالی محلی در معدنها، آغاز فتح و غارت هند شرقی و تبدیل افریقا به سرزمین شکار تجارتی سیاهپوستان خبر از طلوع فجر عصر تولید سرمایه‌داری می‌داد. این روندهای آرام در واقع لحظه‌های اصلی آغاز انباشت بود.»

پرتگال برای نخستین بار در سال ۱۴۴۱ میلادی دام شکار برده‌ها را در افریقا گسترد و به تجارت برده آغاز کرد که تا سال ۱۵۸۰ این تجارت پر سود را به طور انحصاری در چنگ داشت. اما دیری نپائید که این تجارت پر سود، اشتهای طماعان بریتانیایی، فرانسوی، هالندی، اسپانیایی، دانمارکی، بلژیکی و حتی امریکایی‌را نیز تحریک کرد که به طور نمونه در آخر قرن هجدهم، ایالات متحده سالانه ۱۰۰ هزار برده افریقائی به امریکا حمل می‌کرد.

رقابت تجارت برده‌ها به طرز وحشیانه گرم بود. اروپائی‌ها در این تجارت بی لگام به پیش می‌تاختند. در سالهای ۱۷۸۳ تا ۱۷۹۳ در حدود ۹۰۰ کشتی با بیرق‌های اروپائی ۳۰۰ هزار برده‌را از افریقا انتقال دادند که عاید فروش آن به ۱۵۰۰۰۰۰۰ لیره می‌رسید. در این میان از ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون افریقائی در تجارت برده فروشی (به شمول برده‌هایی که به شرق فروخته می‌شدند) متضرر شدند.

با وجودی که «شکار برده» در سال ۱۸۱۵ میلادی در افریقا غیر قانونی خوانده شد، اما این تجارت پر سود کماکان ادامه داشت و با ورود تاجران انگلیسی، المانی، پرتگالی و امریکائی در اواسط قرن نوزدهم به اوج خود رسید و این زمانی بود که تجارت برده و عاج فیل باید همزمان صورت می‌گرفت؛ برده‌ها اکنون مکلف بودند که ضمن انتقال به کشورهای نوحاسته سرمایه‌داری با خود عاج فیل هم انتقال بدهند. در این میان هزاران برده افریقائی با صدها هزار فیل از میان رفتند؛ از هر پنج نفر برده که با خود عاج فیل حمل می‌کردند، تنها یکی زنده به ساحل می‌رسید. و بدین صورت تجارت برده با ستم بیشتر همراه شد: فروش و انتقال عاج‌های سنگین فیل.

تجارت برده در حدود چهار قرن دوام یافت. در این چهار قرن برده‌ها زیر یوغ ستم و جنایت، دست روی دست گذاشتند. آنان از فرار تا قیام و خیزش علیه ستمگری و بیدادگری به پاخاستند. تنها در امریکا که بزرگترین دولت برده‌دار جهان بود، میان سال‌های ۱۵۲۶ و ۱۸۶۴ میلادی ۱۱۰ قیام‌برندگان صورت گرفت. یکی از قیام‌های مشهور که در تاریخ از آن ذکر می‌شود، قیام اسپارتاکوس در روم است.

تاجران برده ضمن تجارت برده ها و عاج فیل، مجنوب زمین های حاصلخیز افریقا شدند و اینجا و آنجا به منابع زیرزمینی در این قاره نیز پی بردند. زمین های وسیع، جلگه های سرسبز، نیروی ارزان کار و ذخایر معدنی، عطش غارتگران را برای تداوم چپاول این قاره بیشتر ساخت و همین بود که بیدادگری تجارت برده که دیگر «غیر قانونی» خوانده شده بود، جایش را به تصاحب زمین های حاصلخیز و چپاول منابع طبیعی می داد. استعمار و استثمار ادامه داشت و رقابت بر چپاول و تصاحب این قاره، خونین تر به پیش می رفت.

۱. «جعبه پاندورا»: در اساطیر یونانی، پرومته آتش را از خدا می رباید و آن را به انسانها هدیه می کند. زئوس برای انتقام به ولکان دستور می دهد تا زنی از خاک و آب بیافریند. این زن از خدایان متعدد استعدادهایی را به عنوان هدیه دریافت می کند: زیبایی، بلندپروازی، هوش، هنر فریبندگی و اغوا کردن. او را پاندورا می نامیدند که به زبان یونانی به معنای «آن است که تمام استعدادها را دارا می باشد.» سپس، پاندورا را به نزد پرومته فرستادند که با او ازدواج کند، ولی پرومته هدیه زئوس را نپذیرفت. اما اپیمته، برادر پرومته به دام او افتاد و با او ازدواج کرد. روز ازدواج آنها، زئوس سیبوی به او هدیه داد که حاوی تمام بدبختی ها و دردها و رنج های بشریت بود. زئوس او را از گشودن در سیبوی منع کرده بود، ولی پاندورا از روی کنجکاوی این سفارش را رعایت نکرد و در سیبوی باز کرد. و اینگونه بود که تمام مصیبت ها روی زمین پراکنده شد. این اسطوره بعدها و به تدریج به عنوان اصطلاح رایج شد، و «جعبه پاندورا یا پاندورا» به شکل استعاری برای علت مصیبتها در ادبیات و زبان رایج گردید. (گروگان گیری در الجزایر: جعبه پاندورا در مالی (مالیستان) به ما ارتباطی ندارد، نویسنده: شمس الدین شیتور، برگردان از حمید محوی، منتشره پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان)